

25) سیاحت غرب / علمی : تنوع بیولوژیک ؛ گفت و گو با ادوارد او . ویلسون

چکیده : ادوارد او . ویلسون از طرفداران شناخته شده در زمینه حفاظت از تنوع بیولوژیک است . وی در این مصاحبه ، از خطرات و تهدیداتی که تنوع بیولوژیک و گونه های جانوری را در مخاطره قرار داده است، صحبت می کند و راه کارهایی را در این زمینه ارائه می دهد و به خصوص نقش رسانه ها را در ارتقای آگاهی مردم در حفاظت از تنوع بیولوژیک یادآوری شود. شما قبلاً اظهار داشته بودید که موضوعات و مسائل مربوط به محیط زیست دوگانه هستند : نابودی تنوع بیولوژیک و سایر مسائل زیست محیطی . منظور شما از ...

25) سیاحت غرب / علمی : تنوع بیولوژیک ؛ گفت و گو با ادوارد او . ویلسون 1

چکیده :

ادوارد او . ویلسون از طرفداران شناخته شده در زمینه حفاظت از تنوع بیولوژیک است . وی در این مصاحبه ، از خطرات و تهدیداتی که تنوع بیولوژیک و گونه های جانوری را در مخاطره قرار داده است، صحبت می کند و راه کارهایی را در این زمینه ارائه می دهد و به خصوص نقش رسانه ها را در ارتقای آگاهی مردم در حفاظت از تنوع بیولوژیک یادآوری شود.

شما قبلاً اظهار داشته بودید که موضوعات و مسائل مربوط به محیط زیست دوگانه هستند : نابودی تنوع بیولوژیک و سایر مسائل زیست محیطی . منظور شما از این مقوله بندی مسائل مربوط به محیط زیست چیست ؟

منظور من این است که اشکال و فرم های گوناگون ویرانی محیط زیست را مطرح نمایم که بیشتر اخبار و سخنرانی های سیاسی را به خود اختصاص می دهد و منظور من از سایر مسائل، نابودی لایه اوزون، گرم شدن آب و هوا و آلودگی با سموم مسموم کننده است. در مقایسه همه این ها، فقدان تنوع بیولوژیک، اکثر اوقات با تخریب جنگل ها اشتباه گرفته می شود، هر دوی این ها با هم مرتبط هستند، اما هنگام اشاره به جنگل زدایی و تخریب جنگل ها، قطع کردن درختان جنگل موضوع اصلی نیست؛ موضوع اصلی در اینجا، نابودی تنوع بیولوژیک است که از تنوع گونه های مختلف تا گونه های کامل اکوسیستم ها و حتی همه اکوسیستم ها را شامل می شود؛ نابودی تنوع بیولوژیک، با میزان و سرعت زیادی در حال رخ دادن است. فقدان و نابودی تنوع بیولوژیک، دومین مقوله از دو مقوله عمده مورد بحث است و نسبت به مقوله اولی خیلی تفاوت دارد؛ به خاطر این که نابودی تنوع بیولوژیک، غیرقابل جبران می باشد.

توجه به اهمیت این مسأله، فواید زیادی برای بشریت دارد و انسان ها را در جهت حفظ و حتی توسعه و رشد خدمات مربوط به اکوسیستم هایی که هنوز سالم مانده اند و زیبایی آن ها باعث لذت و انبساط خاطر آدمی است، تحریک می کند.

اولین اقداماتی که باید جهت جلوگیری از نابودی تنوع بیولوژیک انجام دهیم، چیست؟

یکی از اولین اقداماتی که لازم است، افزایش سطح آگاهی ها می باشد. مردم در تمام سطوح، از مقامات رسمی حکومتی تا شهروندان عادی، نیاز دارند بفهمند، تنوع بیولوژیک چیست و چرا برای بشریت اهمیت دارد. هر قدر ما در مورد تنوع بیولوژیک و اهمیت آن کمتر اطلاع داشته باشیم، به همان اندازه، آن ها را سریع تر از بین خواهیم برد. یکی از ابتکاراتی که باید در دست اقدام قرار گیرد، حفاظت از اکوسیستم هایی است که بیشتر در معرض خطر هستند، در قسمت های حساس جهان. این ها قسمت هایی از زمین جنگل ها، دریاچه ها، رودخانه ها و جلگه های بی درخت است که تعداد بسیار زیادی از گونه های در معرض خطر در آن ها یافت می شوند. اقدام و عمل فوری جهت برخورد با مشکل مذکور، همین است که باید هر چه زودتر در دست اقدام قرار گیرد.

اقدام دیگری که ما نیاز به انجام آن داریم، کشف جهان طبیعی به صورت بهتر و با استفاده از نقش های پیشرفته و جدید از جاهایی است که تنوع بیولوژیک در آنجاها بیشتر است. ما باید گونه های مختلف ارگانیزم را توضیح دهیم. نه تنها آن هایی را که به خوبی می شناسیم، مانند پرندگان و درختان، بلکه تعداد زیادی از ارگانیزم هایی که زیاد هم شناخته شده نیستند، از قبیل سوسک ها تا پروتوزون و حتی باکتری ها. ما باید یاد بگیریم، طرح هایی را جهت مدیریت سلامتی بیولوژیک گونه های مذکور انجام دهیم.

اقدام سوم ضروری این است که باید پیوندهای بیشتری را بین حفاظت و استفاده از تنوع بیولوژیک و توسعه اقتصادی، به خصوص در کشورهای فقیر ایجاد کنیم و ارتقاء دهیم. کشورهای فقیر، با وجود فقر مادی گسترده و جمعیت بیش از حد وابسته، دارای بزرگ ترین ثروت های بیولوژیک هستند. این ثروت های عظیم، این فکر را در خود آن ها و در انسان های دیگر ایجاد می کند تا به فکر توسعه ثروت های بیولوژیکی شان باشند.

آیا شما فکر می کنید که قانون مرتبط با گونه های در معرض خطر ایالات متحده، جامع و فراگیر است؛ هم چنان که تا به حال این گونه قلمداد می گردید؟

نه، آن قانون بیشتر در مورد گونه های مشخص و به صورت مورد به مورد، درباره شیوه های واکنشی تهیه گردیده است. برای اطمینان باید گفت که آن قانون، حفاظت و نگهداری از اکوسیستم هایی را در نظر دارد که گونه های در معرض خطر را در خود جای داده است، اما ما به یک استراتژی کلان و جدید جهت حفاظت و نجات هم اکوسیستم ها و گونه های در معرض خطر نیاز داریم.

عقیده من بر این است که چنان چه قانون گونه های در معرض خطر را تصویب نماییم یا برخی اصلاحات را در آن اعمال کنیم، به طوری که کاملاً برای گونه های منحصر به فرد مفید باشد، خیلی خوب و ایده آل خواهد بود، اما در همان حال باید بر روی شناسایی و تشخیص مناطق بحران اکوسیستم ها نیز تأکید بیشتری داشته باشد؛ اکوسیستم هایی که در آن ها هم تعداد زیادی از گونه های جانوری وجود دارند و هم خیلی جالب و دیدنی هستند، اما در معرض خطر نابودی قرار دارند. با شناسایی اکوسیستم ها، (که اکثراً نیاز به حفاظت و نگهداری دارند تا مقدار بیشتری از تنوع بیولوژیک آمریکا را علی رغم مشکلات زیاد حفاظت کنند)، ما می توانیم برنامه ها و طرح های طولانی مدتی را به شکل ایجاد و تدارک نظارت ها و کنترل های منطقه بندی شده، در داخل و خارج این مناطق و نواحی اجرا کنیم و جلوی ناکارآمدی و اجرای طرح های توسعه ویرانگر را بگیریم.

به هر حال، قانون گونه های در معرض خطر، تنها در جلوگیری و بلوکه کردن بخش های خیلی جزئی و کم، از 20 هزار گونه یا پروژه های زیادی که به طور رسمی و غیررسمی، تحت این اقدامات و عناوین آزمایش شده اند، نتیجه داده و سودمند بوده است که حدوداً 1% می باشد، اما یک خطر وجود دارد و آن این که اگر چنان چه ما کلاً به قانون گونه های در معرض خطر وابسته باشیم - هم چنان که الان این گونه به نظر می رسد - هر چه دانش و اطلاعات بیشتری در مورد گروه های زیادی از ارگانیزم ها نه فقط پرندگان و تعداد کمی از درختان و غیره داشته باشیم، در آن صورت قادر خواهیم بود تا تعداد خیلی زیادی از گونه های جانوری منحصر به فرد را مورد آزمایش و تحقیق قرار دهیم. راه جلوگیری این

است که از طریق نقشه کشیدن سریع برای تنوع بیولوژیک یک کشور، کار را آغاز نماییم.

شما دیدگاهتان را در مورد اصول اخلاقی محیط زیست چگونه توصیف می کنید؟ آیا بر این باور هستید که باید به خاطر بشریت از محیط زیست حفاظت شود یا به خاطر نفس طبیعت؟

من اساساً مجموعه ای از اصول و موازین اخلاقی و معنوی انسان محورانه دارم که آن ها را در کتاب هایم تحت عنوان «طبیعت بشری»، «بیولوژیلیا» و «تنوع حیات»، به طور دقیق توضیح داده ام. اگرچه من دلیل قوی تری دارم تا به شدت و با صراحت در مورد حقوق فطری و ذاتی سایر گونه های جانوری بحث کنم، با وجود این فکر می کنم که دقیقاً و کاملاً مطابق با منافع گونه خودمان (انسان) است تا تنوع بیولوژیک بیشتری را بر روی کره زمین حفظ کنیم و این دلایل می توانند از یک سری دلایل متعدد و مضاعف (ترکیبی از دلایل فایده نگر تا معنوی) را شامل بشوند. ما هنوز شروع به کشف کافی آنچه را که از آن به طور گسترده و وسیع به عنوان فواید معنوی که جنبه زیبایی شناسی - احساسی و نیروی خلاق ذهن بشری می توان نامید، نکرده ایم که خیلی زیاد به وجود محیط زیست نسبتاً کشف نشده و تنوع ارگانیسم های زنده در اطرافیان، بیش از آنچه قبلاً درک کرده ایم، وابسته باشد.

بنابراین، در بحث دیدگاه انسان محورانه طبیعت، من ضرورت حقوق فعالان همه گونه های جانوری، در نجات و رهایی همه تنوعات بیولوژیکی حس می کنم. نه تنها به این خاطر که باور من بر این است که این پیوندها و پیوستگی ها در آنجا وجود دارند، بلکه به علت احتیاط صرف و محض. ما الان دقیقاً آن ها را مفت و مسلم از دست می دهیم - در یک دوره زمانی 20 یا 30 ساله - چیزهایی را که میلیون ها سال طول کشیده است تا ایجاد شوند و نیز میلیون ها سال طول کشیده است تا جایگزین شوند، همه آن ها را مفت و مسلم از دست می دهیم. از بین رفتن این همه تنوع بیولوژیک و دست به کار نشدن ما، به نظرم نهایت حماقت می باشد.

آیا شما با طرح های ایالات متحده آمریکا و یا سایر کشورهای صنعتی موافقت، مبنی بر اختصاص وام جهت تقابل با مسائل فوق الذکر (مثلاً حکومت ایالات متحده آمریکا بدهی جهان سوم را در مقابل و در عوض همکاری کشورهای جهان سوم در حفاظت از قسمت های در معرض نابودی محیط زیست) بیخشد؟

بله، من موافقم. قبلاً گفته شده بود که تحت بهترین شرایط، بدهی های بخشیده شده در عوض همکاری های این کشورها در جهت حفاظت از محیط زیست، تنها مقدار کمی از بدهی جهان سوم را شامل خواهد شد، اما با همین مقدار کم بخشودگی، دلیل نمی شود که ایالات متحده آمریکا از این کار روی گردانی کند و از انجام این کار طفره رود. جنبه دیگر این رفتار نیز تأثیرات خیلی زیادی دارد. آنچنان که گفته می شود، تنها و تنها، تبدیل و تغییر 1% از بدهی های کشورهای جهان سوم به سرمایه گذاری جهت حفاظت از محیط زیست و توسعه محلی در حول و حوش مناطق تحت حفاظت، می تواند موجب حل و رفع حادثترین و شدیدترین مسائل و مشکلات در زمینه حفاظت از تنوع بیولوژیک گردد.

چرا باید کشورهای صنعتی شده جهان زیر بار بروند؟

قبل از همه و خارج از قاعده، باید بگویم که این کار باید به خاطر نگرانی و دغدغه برای کل بشریت مورد توجه قرار گیرد و جهان سوم، سرمایه و ثروت های بیولوژیک دارد و کشورهای توسعه یافته می توانند در آن ثروت ها و منابع شریک شوند؛ از قبیل توسعه صنعت دارویی. البته این کشورها به عنوان قدرت های تجاری در آینده، شرکای اقتصادی ایالات متحده آمریکا خواهند بود.

میل به آرامش سیاسی در این کشورها، دلیل دیگری را در ادامه دلایل فوق الذکر مطرح می نماید. حفاظت و استفاده بهتر از محیط زیست طبیعی، توسعه و ارتقای آرامش سیاسی را اقتضا می کند و تنها نیاز داریم اشاره کنیم به نقاط و مناطق بحرانی جهان جدید در سال های اخیر (به عنوان نمونه) السالوادور و هاییتی، ... و قابل توجه این که، کشورهای فوق الذکر، دارای ویران ترین و پرجمعیت ترین کشورها در نیم کره غربی هستند. در اینجا شناسایی پیوند بین آرامش و ثبات زیست محیطی و کاهش و تخفیف فقر، مدنظر می باشد. توسعه مناسب و مفید در این کشورها است که به استفاده از محیط زیستی مناسب در طول آرامش و ثبات سیاسی، بستگی دارد.

اما فراتر از آن، تخریب وسیع جنگل ها در این کشورها، باعث به وجود آمدن خروارها دی اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه ای در اتمسفر و جو این کشورها شده است. هیچ شکی در این زمینه وجود ندارد که سیر تغییرات محیط زیستی که در حال رخ دادن است و با درآینده رخ خواهد داد، بر روی بقیه جهان - حتی به شیوه های دیگری - تأثیرگذار خواهد بود. به عنوان نمونه یک تغییر، تغییر الگوهای میزان بارش در تمام مناطق قاره ای است.

آیا چشم انداز گرم شدن هوای کره زمین، شما را نگران می کند؟

در مسأله گرم شدن کره زمین، این نکته واضح و روشن است که گرم شدن کره زمین ممکن است ما را تا 50 یا 100 سال دیگر، به اقدام مؤثری وادار نکند. حتی تقریباً مدل ها و الگوهای محافظه کار پیش بینی می کنند که این مسأله (گرم شدن کره زمین) یک مسأله مهم زیست محیطی خواهد شد؛ اگر میزان گرم شدن، همین طور بدون کم وکاست ادامه یابد. صرف نظر از تأثیرات فوری و سریع بر روی جمعیت بشری و تولید مناطق کشاورزی، افزایش درجه گرمایی کره زمین بدین معنی است که مشکلات بزرگی برای منابع طبیعی به خصوص در مناطق معتدل شمالی و مناطق قطبی به وجود خواهد آمد.

حفاظت از جنگل های بارانی استوایی، چه نقشی می تواند در جلوگیری از گرم شدن آب و هوای کره زمین ایفا نماید؟

آن ها می توانند کمک کنند تا مقدار قابل توجهی از کربن، در بافت های زنده و چوب باقی بمانند، به جای این که به دی اکسیدکربن تبدیل شوند. برخی تخمین زده اند که چنان چه منطقه ای از جهان - به وسعت استرالیا و یا شاید برزیل درختکاری شود، این درختکاری در چنین وسعتی، می تواند در توقف و جلوگیری از افزایش سطح دی اکسیدکربن کافی باشد. من نمی دانم این کار با چه سرعتی می تواند اتفاق بیفتد، اما باور دارم که تخریب وسیع و مداوم جنگل ها عامل عمده ای در افزایش دی اکسیدکربن است.

آیا آگاهی شما در مورد مسائل زیست محیطی، در کار شما به عنوان یک بیولوژیست، تأثیر داشته است یا نه؟

علاقتمندی من به رشته بیولوژی، به دوران کودکی ام برمی گردد. من دوران کودکی و نوجوانی ام را در جنوبی ترین مناطق سپری کردم. من در آنجا به درختان و مزارع دسترسی داشتم و از حیات وحش، در آغازین دوران زندگی خود لذت برده ام و احساس خوشی داشتم. من همیشه قصد و آرزویم این بود که در مورد طبیعت و تنوع بیولوژیک، مطالعه کنم. از دوران نوجوانی ام، از مسائل و مشکلات مربوط به محیط زیست آگاهی یافتم. دل مشغولی های شدید اخیر این جانب، بیشتر حاصل و نقطه اوج تمام عمر نویسندگی و شور و شوق و اشتیاق من بود، تا این که پاسخی به محیط زیست و مسائل آن باشد.

به نظر شما، تأثیرگذارترین شیوه های گسترش آگاهی مردم در سراسر جامعه و نیز در بیرون از جامعه کنونی چیست؟

رسانه ها به نظر من مهم ترین ابزار هستند و به همین خاطر است که من بیشتر اوقاتم را صرف گفت وگو با روزنامه نگاران می کنم. رسانه ها ابزارهای واسطه ای جهت گستراندن و رواج اطلاعات و جنبش های توسعه خواه می باشند، به خصوص در مورد دموکراسی؛ دانشمندی که آرزوی نفوذ در سیاست دارند، کمتر موفق و قادر به انجام این نفوذ می شوند؛ خصوصاً موقعی که مسأله ای شبیه مسأله پیچیده تنوع بیولوژیک وجود داشته باشد و تابه حال، به ندرت رأی و نظر عمومی را به خود جلب کرده باشد. برای دانشمندان خیلی مشکل است با رهبران سیاسی تماس و بر روی آن ها نفوذ داشته باشند، مگر این که این رهبران به نوعی متقاعد شوند. رهبران سیاسی عموماً تمایل دارند که به هیچ کس پاسخگو نباشند؛ بنابراین، اگر آن ها احساس کنند که افکار عمومی در مورد مسأله ای نگرانی و دغدغه دارد، آن مسأله اولویت بالایی پیدا خواهد کرد. بنابراین، افزایش و ارتقای آگاهی عمومی، معمولاً از طریق رسانه ها امکان پذیر می باشد.

یک شخص عادی باید بتواند به سؤالاتی از قبیل این سؤال که آیا بشر صرفاً کارگزار معمولی و عادی طبیعت است و آیا تکامل و تحول، جایگزین انقراض به عنوان قسمتی از پروسه طبیعی خواهد گردید، جواب بدهد و پاسخی داشته باشد. یک شخص عادی، باید بتواند این سؤال ها را درک و فهم کند. این سؤالات سخت نیستند، اما در حال حاضر، مردم جواب آنها را نمی دانند.

این مسأله مهمی است که دانشمندان از طریق کتاب و یا از طریق رسانه ها، آگاهی و اطلاعاتی را در این زمینه، به تعداد بیشتری از مردم برسانند. زمانی که این ها با هم همراه باشد، در آن صورت، فعالین (محیط زیست) می توانند مسأله را به موقعیت های عمومی ارتقا دهند و اگر چنان چه مردمان به اندازه کافی به این مسأله واقف باشند و آن را تعقیب نمایند، تعقیب و حمایت مردم، نوعی فشار ایجاد می کند که رهبران سیاسی را در یک مسیر دموکراتیک حرکت می دهد.

منبع: www.Wildglobe.com

Edvard O. Wilson 1-پروفسور در رشته علوم و موزه داری می باشد. او در موزه شناخت و بررسی تطبیقی دانشگاه هاروارد کار می کند. وی از طرفداران شناخته شده جهانی در زمینه حفاظت از تنوع بیولوژیک است.